

حضرت زینب(س) چگونه وفات کردند؟

در شرایط کنونی اگر بانوان جوامع اسلامی سیره عملی و اوصاف اخلاقی شیرزن کربلا حضرت زینب(س) را الگو و اسوه خود قرار دهند، روزه روز ارزش‌ها و فضایل آنان شکوفاتر خواهد شد.



در شرایط کنونی اگر بانوان جوامع اسلامی سیره عملی و اوصاف اخلاقی شیرزن کربلا حضرت زینب(س) را الگو و اسوه خود قرار دهند، روزه روز ارزش‌ها و فضایل آنان شکوفاتر خواهد شد.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پانزدهمین روز از ماه رجب سال 62 هجری مصادف است با سالروز شهادت اسوه صبر و شکیبایی حضرت زینب کبری (س)، بانویی که از وجود او بود که صبر معنا و مفهوم پیدا کرد و واژه صبر در مقابل نام حضرت زانو زد.

حضرت زینب کبری علیها السلام در روز پنجم جمادی‌الاولی سال پنجم یا ششم هجری قمری در شهر مدینه منوره متولد گردیده و جهان را به قدوم خویش مزین فرمودند.

نام مبارک آن بزرگوار زینب، و کنیه گرامیشان ام الحسن و ام کلثوم و القاب آن حضرت عبارتند از: صدیقه الصغری، عصمة الصغری، ولیة الله العظمی، ناموس الکبری، شریکه الحسین علیها السلام و عالمه غیر معلمه، فاضله، کامله و ...

چندی از تولد این بانوی بزرگوار نگذشته بود که در خواب رویایی غمناک می‌بیند. آری، زینب کبری(س) مسیر پرحادثه و دردناکی را که در پیش دارد در همان زمان کودکی در آینه رویا می‌نگرد و آن را برای جدش پیامبر اکرم بازگو می‌کند و پیامبر خدا حوادثی را که در انتظار اوست تعبیر می‌کند تا او که دست پرورده علی و بزرگ شده دامن زهراست، خود را برای رویارویی با این حوادث مهیا سازد.

این رویا را در تاریخ چنین می‌خوانیم: ارتحال پیامبر خدا نزدیک بود، زینب نزد پیامبر آمد و با زبان کودکانه به پیامبر چنین گفت: «ای رسول خدا! دیشب در خواب دیدم که باد سختی وزید که بر اثر آن دنیا در ظلمت فرو رفت و من از شدت آن باد به این سو و آن سو می‌افتادم؛ تا این‌که به درخت بزرگی پناه بردم، ولی باد آن را ریشه کن کرد و من به زمین افتادم. دوباره به شاخه دیگری از آن درخت پناه بردم که آن هم دوام نیاورد. برای سومین مرتبه به شاخه دیگری روی آوردم، آن شاخه نیز از شدت باد در هم شکست. در آن هنگام به دو شاخه به هم پیوسته دیگر پناه بردم که ناگاه آن دو شاخه نیز شکست و من از خواب بیدار شدم».

پیامبر با شنیدن خواب زینب، بسیار گریست و فرمود:

«درختی که اولین بار به آن پناه بردی جدّ توست که به زودی از دنیا می‌رود و دو شاخه بعد مادر و پدر تو هستند که آن‌ها هم از دنیا می‌روند و آن دو شاخه به هم پیوسته دو برادرت حسن و حسین هستند که در مصیبت آنان دنیا تاریک می‌گردد».

هوش و ذکاوت حضرت:

صاحب کتاب اساور من ذهب درباره حافظه و ذکاوت آن بانوی بزرگوار چنین می‌نویسد: در اهمیت هوش و ذکاوت آن بانوی بزرگوار همین بس که خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) در دفاع از حق امیرالمؤمنین علیها السلام و غصب فدک در حضور اصحاب پیغمبر اکرم(ص) ایراد فرمودند، حضرت زینب علیها السلام روایت فرموده است.

و ابن عباس با آن جلالت قدر و علو مرتبه در حدیث و علم، از آن حضرت روایت نموده و از آن حضرت به عقیده تعبیر می‌کند. چنانچه ابوالفرج اصفهانی در مقاتل می‌نویسد: ابن عباس خطبه حضرت فاطمه سلام الله علیها را از حضرت زینب سلام الله علیها روایت کرده و می‌گوید: حدیثی عقیدتنا زینب بنت علی علیها السلام..»

دقت کنیم که حضرت زینب علیها السلام با اینکه دختری خردسال (یعنی هفت ساله و یا کمتر) بود، این خطبه عجیب و غراء که محتوی معارف اسلامی و فلسفه احکام و مطالب زیادی است را با یک مرتبه شنیدن حفظ کرده، و خود یکی از راویان این خطبه بلیغه و غراء می‌باشد.

زینب کبری (س) عالمه بود به گونه‌ای که امام سجاد (ع) خطاب به عقیله بنی هاشم، زینب کبری (س) می‌فرمایند: عمه جان! تو عالمه‌ای هستی بدون اینکه معلم داشته باشی، و فهمیده‌ای هستی بی آن که کسی مطالب را به تو فهمانده باشد.

فداکاری و ایثار عقیله بنی‌هاشم هم در طول تاریخ مثال زدنی است؛ زینب کبری(س) وقتی احساس کرد مسئولیت بزرگ جهاد در راه خدا و پیکار و مبارزه با بی‌دینان به دوشش آمده است و در این راه باید از مال و منال و شوهر و زندگی و فرزند بگذرد، حتی اگر لازم شود از دادن جان نیز دریغ نکند، با کمال شهامت و فداکاری از خانه و کاشانه و شوهر و زندگی دست می‌کشد. گویند به هنگام ازدواج حضرت زینب (س) با عبدالله ابن جعفر، با توجه به علاقه وافر که میان او و برادرش امام حسین (ع) بود، شرط کرد که هرگاه برادرش خواست سفری برود، زینب (س) بتواند به همراه برادر مسافرت کند و عبدالله شرط را پذیرفت.

عبادت حضرت زینب سلام الله علیها:

عبادت غرض اصلی آفرینش است و امام معصوم سمبل و تجلی این غرض؛ و هرچه یک انسان عابدتر باشد با حرکت آفرینش هماهنگ‌تر و با معصوم مانوس‌تر می‌شود. شاید علت انس حضرت زینب (س) با برادرش امام حسین (ع) جلوه‌ای از این

عبادت باشد.

حضرت امام حسین (ع) در هنگام وداع به زینب کبری فرمود: «خواهرم در نماز شبت مرا به یاد داشته باش.» و نیز از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «عمه‌ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام هم فرایض و هم نوافل خود را به جای می‌آورد و غفلت نداشت. فقط در یکی از منازل به خاطر شدت ضعف و گرسنگی، نشسته نماز خواند که بعد معلوم شد، سه روز است غذا میل نکرده، زیرا به هر اسیر شبانه روز یک گرده نان می‌دادند و عمه‌ام سهمیه خود را بیشتر اوقات به بچه‌ها می‌داد.» نوشته‌اند هیچ‌گاه، تهجد و نماز شب این بانوی بزرگ ترک نشد. در فرهنگ قرآنی نافله چیزی است که زیاده بر واجب است و از روی تفضل و تبرع انجام می‌گیرد.

هنوز شهادت سیدالشهدا به سال نیامده که در مدینه قحطی سختی رخ داده است. عبدالله بن جعفر که بحر جود و کرم است و عادت بر بذل و عطا دارد، به دلیل اینکه دستش از سرمایه دنیا تهی گشته راهی شام می‌شود و به کار زراعت مشغول می‌شود، اما زینب هر روزش گریه و داغ دل است. پس از مدتی آن علیاً مخدّره گرفتار تب وصل خانواده‌اش می‌گردد و هر لحظه بیماری او شدّت پیدا می‌کند تا اینکه نیمه ظهری به همسر خود عبدالله می‌فرماید: بستر مرا به زیر آفتاب در حیاط قرار بده!

عبدالله می‌گوید: به این وصیّت عمل کرده و او را در حیاط جای دادم که متوجّه شدم چیزی را روی سینه خویش قرار داده و مدام زیر لب حرفی می‌زند. پس به او نزدیک شدم، دیدم پیراهنی پاره پاره و خونین که یادگاری از برادرش حسین (ع) بود روی سینه نهاده ناله او حسین، حسین، حسین بود، لحظاتی بعد او وارد بر حریم اهل بیت النبوة گشت و کارنامه عمرش به خیر و سعادت ختم شد.

بدن مطهر آن بانوی بزرگوار در همانجا دفن شد و مزار ملکوتی آن حضرت اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السّلام است.